

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/09/04

روایت دوم که آقایان صراحت دارند به صحت روایت و روشن و شفاف بر مسج رجلین دلالت می کند، روایت عبّاد بن تمیم است. ایشان دو روایت نقل کرده است، یکی از پدرش و یک روایت هم دارد: عن عمه. هر دو روایت هم صحیح هستند؛ یعنی بزرگان اهل سنت تصریح بر صحت روایت دارند.

روایت را احمد بن حنبل در مسندش نقل می کند. روایت مسند صرف نظر از بررسی روایتی که ما می کنیم، در مجموع در بین اهل سنت از یک جایگاه ویژه ای برخوردار است و خود احمد گفته بود که اگر روایتی را در مسند من نیافتید، بدانید که آن روایت ضعیف است؛ یعنی من تلاش کرده ام روایاتی را در مسندم بیاورم که قابل احتجاج هست. ایشان نقل می کند:

حدثني أبي قال قرأت علي عبد الرحمن عن عبد الله بن زيد المازني قال ثنا عبد الله بن يزيد أبو عبد الرحمن المقرئ قال ثنا سعيد يعني ابن أبي أيوب قال حدثني أبو الأسود عن عباد بن تميم المازني عن أبيه أنه قال رأيت رسول الله صلي الله عليه وسلم يتوضأ ويمسح بالماء علي رجله.

مسند احمد، الإمام احمد بن حنبل، ج 4، ص 40 و مجمع الزوائد، الهيثمي، ج 1، ص 234 و الأحاد والمثاني، الضحاك، ج 4، ص 208 و المعجم الأوسط، الطبراني، ج 9، ص 132 و اسد الغابة، ابن اثير، ج 1، ص 217 و صحيح ابن خزيمة، ابن خزيمة، ج 1، ص 101 و الاستيعاب، ابن عبد البر، ج 1، ص 195

شوکانی این روایت را در کتاب نیر الاوتار، ج 1، ص 168 و می نویسد:

رأيت رسول الله يتوضأ ويمسح علي رجله.

کلمه «بالماء» هم ندارد.

در جایی دیدم که این روایت را بخاری در تاریخ خودش آورده است؛ ولی من پیدا نکردم. این حجر صراحت دارد که: اخرجہ البخاری فی تاریخہ.

ابن حجر عسقلانی به این روایت که می رسد، تعبیرش این است:

قال بن حبان تمیم بن زید المازنی له صحبة وحديثه عن ولده وروي البخاري في تاريخه وأحمد بن أبي شيبه وابن أبي عمرو البغوي والطبراني والباوردي وغيرهم كلهم من طريق أبي الأسود عن عباد بن تميم المازني عن أبيه قال رأيت رسول الله صلي الله عليه وسلم يتوضأ ويمسح الماء علي رجله رجاله ثقات.

**الإصابة، ابن حجر، ج 1، ص 490**

ابن حجر از استوانه های علمی اهل سنت است و صراحت دارد که این روایت، راویانش همه ثقات هستند. البته این را دقت کنید که اهل سنت برای صحت روایت، وثاقت روات را شرط نمی دانند؛ چه بسا روایتی که رواتش همه ثقه هستند؛ ولی مضمون شاذ و مخالف مشهور است، آن ها زیر بار آن نمی روند. یا روایت راویانش ثقه هستند؛ ولی این روایت به صورت تبع آمده است و روایت اصلی نیست؛ مثلاً به عنوان مؤید آمده است. آن ها هفت هشت تا شرط دارند که باید این ها را داشته باشد تا قابل استناد باشد.

ولي آن چه براي ما مهم است، اين است كه روايت از نظر سند هيچ مشكلي ندارد؛ يعني اين كه راويان آن ضعيفه باشند، نيست. چون مضمون روايت مخالف مشهور است، اهل سنت زير بار آن نمي روند؛ چون آن ها يك چيزي را به عنوان عقیده پذيرفته اند و ائمه اربعه هم مسح رجلين را قبول نداشته اند؛ لذا هر روايتي را كه سنداً هم مشكل نداشته باشد، قبول نمي كنند.

هميشي هم در مجمع الزوايد مي گويد:

رجاله موثقون.

پس اين هم يك روايتي است كه نقل کرده اند، مبني بر مسح رجلين، با توثيق روات شان.